

راهبرد روسیه در قبال نقش جمهوری اسلامی ایران در معادلات سیاسی سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی و سناریوهای آینده

محمد ناصحی^۱

مهناز گودرزی^۲

۱- مقدمه

سردار سرتیپ قاسم سلیمانی از جمله فرماندهان استراتژیست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در سال ۱۳۶۷ از طرف مقام معظم رهبری به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. ایشان طی ۲۲ سال فرماندهی نیروی قدس توانسته بود با غالب جریان‌های سیاسی غرب آسیا ارتباط نزدیک برقرار نماید و در مواردی ارتباطات ایشان در سطوح رسمی و بین‌المللی نیز ادامه داشت (Debinski, 2020: 1) که در این راستا می‌توان به دیدارهای مکرر ایشان با مقامات نظامی و سیاسی کشورهای محور مقاومت و همچنین سفر ایشان به روسیه در سال ۲۰۱۵ جهت ترغیب ریاست جمهوری روسیه به ورود نظامی به بحران روسیه اشاره کرد (Perry & Bassam, 2015: 2).

راهبرد اصلی سردار سلیمانی در سوریه، حفظ این کشور در مدار مقاومت و ایجاد کریدور «تهران-بغداد-دمشق-بیروت» جهت تقویت مقاومت در منطقه و تکمیل کمربند محاصره رژیم صهیونیستی بود. در همین راستا نیز نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اولین نیروهایی بود که با بروز بحران به حمایت از نظام سوریه وارد شد. بسیاری از تحلیلگران ورود نیروی هوایی روسیه به جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۵ را محصول تلاش‌های سردار سلیمانی و رایزنی‌های ایشان با رهبران کرملین می‌دانند.

در شرایط کنونی، در بحران سوریه به جز دولت بشار اسد و ارتش این کشور، نیروهای نظامی روسیه و همچنین متحدان نظامی ایران نیز حضور دارند و در هماهنگی با یکدیگر علیه تروریست‌های تکفیری مبارزه می‌کنند. ابتکار عمل نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران تا پیش از سوم ژانویه ۲۰۲۰ در اختیار سردار سلیمانی بود (دویچه وله، ۲۰۲۰: ۲). بنابراین به شهادت رسیدن سردار سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد از سوی نیروهای آمریکایی، بستر ساز آسیب جدی به مقاومت و نیروهای نظامی متحد ایران در سوریه خواهد بود.

سفر غیرمنتظره ولادیمیر پوتین به سوریه به فاصله کمی پس از شهادت سردار سلیمانی (هفتم ژانویه ۲۰۲۰) و تاکید بر نقش نیروهای روسی در بازگرداندن امنیت به سوریه، رویدادی است که در پرتو نبود مهمترین کارگزار نفوذ منطقه‌ای

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی، نویسنده مسئول (m.naseh67@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان (mahnaz.gudarzi@gmail.com)

ایران در منطقه، می‌تواند تلاش روسیه برای سوء استفاده از موقعیت حادث شده و تضعیف جایگاه ایران در سوریه در دوران تثبیت تعبیر شود (Aharonson & Mansour, 2020: 3).

سفر پوتین به شهر دمشق در هفتم ژانویه ۲۰۲۰ در حالی صورت می‌پذیرد که سفر قبلی وی در سال ۲۰۱۷ محدود به پایگاه نظامی حیمیم در استان لاذقیه بوده در حالی که براساس اعلام کرمین این بار وی به دیدار اماکن تاریخی دمشق نیز رفته است یعنی در خیابان‌های شهری جنگ‌زده و درگیر آشوب قدم زده است (الجزیره، ۲۰۲۰: ۱). در ادامه به آینده جایگاه ایران در سوریه با توجه به تحولات یاد شده پرداخته می‌شود.

۲- چارچوب نظری

نویسندگان این مقاله بر آن هستند که سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه را می‌توان براساس نظریه نواقع‌گرایی تبیین نمود. نظریه نواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری^۳ در اواخر ۱۹۷۰ در واکنش به رفتارگرایی و برای علمی کردن واقع‌گرایی توسط کنت والتز^۴ در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» طرح شد. این نظریه، خوانشی جدید از واقع‌گرایی کلاسیک ارائه می‌دهد که طی آن دولت و قدرت مفاهیم محوری هستند البته نقطه ثقل این نظریه تمرکز بر ساختار نظام بین‌المللی دولت‌ها است (شهرکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹).

ساختار نظام بین‌الملل مطابق نظر والتز، شکل‌دهنده سیاست بین‌الملل بوده و خود را بر واحدها تحمیل می‌نماید. ساختار نظام بین‌الملل به تعریف والتز نه تنها بر رفتار دولت‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه از طریق تحمیل محدودیت‌هایی بر رفتار دولت‌ها، مناسبات بین‌المللی را شکل می‌دهد. بدین ترتیب تغییر رفتار دولت‌ها و همچنین الگوهای رفتاری بین‌المللی تحت تأثیر ساختار نظام بین‌الملل امری حتمی است (حاجی یوسفی، ۱۳۹۲: ۳۶).

والتز معتقد است؛ «واحدهای اجتماعی تحت تأثیر ساختار نظام‌هایی هستند که بخشی از آن محسوب می‌شوند، بنابراین در مورد سیاست بین‌الملل، کشورها آزادی عمل مطلق برای انجام هر کاری را ندارند، اگر کشورها فراتر از محدودیت‌های ایجادشده از سوی ساختار نظام گام بردارند با واکنش سیستمیک مواجه خواهند شد». در واقع، والتز قصد دارد نشان دهد که چگونه ساختار نظام بر تعامل واحدها و تعامل واحدها بر ساختار تأثیر می‌گذارد، به عبارتی دیگر ساختار نظام بین‌الملل، کشورها را ناگزیر به انجام اقداماتی می‌کند که باعث بازتولید همین ساختار می‌شوند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۰). از منظر والتز سه عنصر تعیین‌کننده ساختارهای سیاسی به شرح زیر هستند:

الف. اصل سامان بخش؛ به معنی اقتدارگریزی یا سلسله‌مراتبی

³ Structural Realism

⁴ Kenneth Neal Waltz

ب. کارویژه واحدها، به معنی کارکردهای مشابه یا تنوع کارکردی. در این راستا، اصل خودیاری به مثابه کارکرد مشابه واحدها و به عنوان رفتاری منطقی برای بقا در نظام بین‌المللی اقتدارگرایز یا به عبارت دیگر آنارشیست محسوب می‌شود.

پ. توزیع توانمندی‌ها میان واحدها (ویلیامز، ۱۳۹۲: ۵۷).

ساختار آنارشیست مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست بین‌الملل و رفتار کشورها است. از نظر والتز آنارشی، اصل اساسی و تغییرناپذیر حاکم بر روابط بین‌الملل است و تا وقتی حکومت جهانی تشکیل نشود، سیاست بین‌الملل حوزه‌ای آنارشیست باقی خواهد ماند. تا زمانی هم که آنارشی حاکم باشد، واحدها و کارویژه‌های آن‌ها ثابت باقی خواهد ماند (دهشیری و گلستان، ۱۳۹۵: ۷). در ساختار آنارشیست دولت‌ها از موقعیت نسبی خود در مقابل سایر دولت‌ها نگران هستند، در نتیجه آن‌ها نسبت به هزینه‌ها حساس می‌شوند، به عبارت دیگر دولت‌ها رفتارهای امنیتی خود را بر تحلیل هزینه فایده استوار می‌سازند (هنسن و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۰). به اختصار می‌توان عنوان کرد که ساختار آنارشیست نظام بین‌الملل سه الگوی رفتاری را برای دولت‌ها در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایجاد و اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛

اول اینکه آنارشی باعث بی‌اعتمادی و سوء ظن دولت‌ها می‌شود و به دلیل عدم وجود مرجع قانونی و داور نهایی در نظام بین‌الملل، دولت‌ها برای حفظ موجودیت خود نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد می‌شوند، در نتیجه احساس ترس و نگرانی آن‌ها را به امنیت طلبی در سیاست خارجی وا می‌دارد.

دوم اینکه مهم‌ترین هدف دولت‌ها در چنین نظامی، تامین امنیت و بقا است، در نتیجه دولت‌ها بقاء خود را از طریق خودیاری تضمین می‌نمایند. هر دولت به تنهایی باید بتواند امنیت خود را تضمین کند چرا که اتحادها و پیمان‌ها پایدار نیستند.

سوم اینکه قدرت هدف دولت‌ها نیست بلکه قدرت ابزاری است برای تامین امنیت کشورها، در نتیجه دولت‌ها در پی کسب، حفظ و افزایش قدرت هستند که بر حسب مقدورات و توانمندی‌های مادی نظامی و اقتصادی بازشناسی می‌شود. هرچه قدرت کشوری بیشتر باشد، می‌تواند ضریب امنیتی بیشتری را تامین کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۵-۳۶).

براساس آنچه مطرح شد رفتار روسیه در قبال سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی مبتنی بر اصول نوواقع‌گرایی بررسی و تحلیل می‌شود. این کشور در بحران سوریه سعی دارد امنیت حوزه پیرامونی خود را حفظ نماید. بعد از بحران لیبی این نگرانی در میان رهبران کرملین وجود دارد که ممکن است توسط رقیب خود از منطقه مدیترانه اخراج

شوند، بدین ترتیب بازیگران دخیل در این بحران، هرگونه تلاش در جهت تامین امنیت خود را از سوی طرف دیگر تهدید می دانند که این امر از آنارشیسم بودن نظام بین الملل که نو واقع گرایان بر آن تاکید دارند نشأت می گیرد(شهرکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹).

منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپلتیکی، امنیت انرژی، صادرات تسلیحات و همچنین مقابله با ریشه های افراطی - گری مذهبی (که می تواند بر مسلمانان روسیه تاثیر بگذارد) جایگاه حائز اهمیتی در سیاست خارجی روسیه داشته است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و وضعیت آشفته سیاست خارجی مسکو در دوران ریاست جمهوری یلستین، وجه غرب آسیایی سیاست خارجی روسیه را تضعیف کرد(کیانی و خان محمدی، ۱۳۹۶: ۹۵).

قدرت گرفتن ولادیمیر پوتین با رویکرد اوراسیاگرایی ملهم از اندیشه های الکساندر دوگین(کولایی و عابدی، ۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۳۱) در کرملین و تاکید وی بر احیای روسیه به عنوان قدرت بزرگ جهانی، یک بار دیگر منطقه غرب آسیا را در دستگاه سیاست خارجی روسیه برجسته کرد(شاد، ۱۳۹۶: ۷۸-۶۸). در تحلیل موضع گیری روسیه در قبال تحولات سوریه باید دو عامل را بازشناسی کرد:

الف. عامل ژئواستراتژیک؛ به معنای دستیابی روسیه به موقعیت مناسب برای مدیریت نظامی حوزه مدیترانه است. روسیه پس از تحولات موسوم به بیداری اسلامی، با تضعیف مواضع خود در شمال آفریقا به ویژه در لیبی و همچنین در شمال مدیترانه در منطقه بالکان روبرو بوده است بنابراین می بایست بتواند سوریه را در این منطقه به عنوان پایگاه خود حفظ نماید. در واقع سوریه به عنوان یکی از اضلاع قدرت مسکو در مدیترانه به شمار می آید. تقویت ناوگان دریای روسیه در بندر طرطوس نیز در همین راستا صورت پذیرفته است(کولایی و عابدی، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۶۸).

ب. تضعیف رادیکالیسم تکفیری؛ روسیه همواره با چالش جریان های رادیکال اسلامی در منطقه قفقاز و چچن روبرو بوده است. به همین دلیل، تقویت رادیکالیسم تکفیری در غرب آسیا به ویژه در سوریه را تهدیدی برای امنیت ملی خود تلقی می نماید و تلاش دارد این جریان را از سوریه با هزینه کمتر خنثی کند. مسکو با حمایت از دولت قانونی سوریه، خاکریز مواجهه با رادیکالیسم تکفیری را از داخل سرزمین های خود به منطقه غرب آسیا تغییر داده است(حیدر پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

همانگونه که آمد، سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه و جمهوری اسلامی ایران بر مفروضات نورئالیستی استوار شده است، به این معنا مسکو بر بازی با حاصل جمع صفر، تلاش برای نفوذ بین دولت ها به جای همکاری، موقعیت جغرافیایی، توجه به اهمیت ژئوپلتیک، تفاوت های فرهنگی و بازنشانی خود به عنوان قدرتی بین المللی در برابر غرب تاکید می نماید تا با استفاده ابزاری از سیاست خارجی، چالش های درونی به ویژه در شرایط افول اقتصادی و افزایش تهدیدات داخلی را ترمیم نماید و در این راستا ممکن است در پی محدود کردن متحدان خود را نیز باشد(شهرکی و

همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴). مبتنی بر چارچوب نظری ارائه شده در ادامه به وضعیت شناسی نقش سوریه و ایران در بحران داخلی سوریه و راهبرد مسکو در قبال ایران در تحولات آینده سوریه پرداخته می‌شود.

۳- نقش روسیه و جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه

از ابتدای شکل‌گیری جنگ داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱، دولت‌های روسیه و جمهوری اسلامی ایران به عنوان متحدان دولت قانونی این کشور، درگیر بحران شدند و هریک براساس اهداف و منافع ملی خود، به گونه‌ای مانع از فروپاشی نظام سیاسی این کشور شدند.

۳-۱ نقش لجستیک و مستشاری ایران

روسیه به تنهایی قادر به پیروزی در سوریه نبود چرا که شرکت‌های خصوصی روسیه ضعیف بودند و نیروی هوایی نیز به تنهایی قادر به شکست نیروهای داعش با راهبرد جنگ چریکی نبودند (Menon & Spitzer, 2019: 4). بنابراین نیروی زمینی ایران و حزب الله لبنان و همچنین بسیجی که ایران با جذب نیروهای شیعه فاطمیون و زینیون ایجاد کرد، به پیروزی بر داعش کمک کرد. مسائلی که توسط سردار سلیمانی و سردار همدانی طراحی و اجرا شد و موجب می‌شد آینده سوریه به مقاومت وابسته بماند (همان). در سال ۲۰۱۵ و با بالا گرفتن تلفات دولت سوریه و پیشروی نیروهای تکفیری، با حمایت ایران، نیروهای مقاومت لبنان و حشدالشعبی عراق نیز وارد سوریه شده و در نزدیکی جولان مستقر شدند.

۳-۲ نقش غیرمستقیم و لجستیک روسیه

روسیه به عنوان کشوری که سوریه را حیطه نفوذ سنتی خود و مهمترین پایگاه باقیمانده در منطقه غرب آسیا پس از، از دست رفتن لیبی می‌دانست از نفوذ خود بر حزب بعث و ساختار ارتش این کشور برای ورود به بحران استفاده کرد. البته کمک‌های نظامی روسیه ابتدا در سطح مستشاری و لجستیک بود.

در اواخر سال ۲۰۱۱ نیروهای روس برای عبور از بحران، راهکار تشکیل چندین واحد جدید برای انجام عملیات‌های خاص را از میان افسران ارتش، نیروهای ذخیره و سربازان وظیفه سوری مطرح ساختند که به ایجاد سپاه چهارم، پنجم و ششم ارتش انجامید اما در عمل کارایی چندانی نداشت و در سطح انجام عملیات‌های محدود در مناطق خاصی از سوریه باقی ماند.

از اوایل سال ۲۰۱۲ و با وخیم‌تر شدن اوضاع جنگ داخلی، استراتژیست‌های روسیه تصمیم به ورود نیروهای نظامی خارجی به نفع بشار اسد کردند و در همین راستا، دولت این کشور لایحه قانونی کردن شرکت‌های امنیتی خصوصی را به «دوما» فرستاد اما دوما آن را مغایر قانون اساسی تشخیص داد. در نهایت دولت روسیه بدون مجوز مجلس این

کشور نیروهای خارجی را در قالب شرکت‌های امنیتی خصوصی، وارد سوریه نمود که در عملیات‌های مهم به صورت محدود در کنار ارتش سوریه مشارکت داشته باشند.

۳-۳ حضور نیروی هوایی روسیه در بحران سوریه

هیچکدام از موارد فوق نتوانست تغییر چشمگیری در موازنه میدانی به وجود آورد بنابراین از سال ۲۰۱۵ روسیه به شکل رسمی با بمباران مواضع دولت اسلامی عراق و شام، مرحله دیگری از ورود به بحران سوریه را که جنگ هوایی بود در پیش گرفت و کنترل فرماندهی عملیات را در دست گرفت. شایان ذکر است این تحول در نتیجه راینی‌های سردار سلیمانی با مقامات ارشد روسیه و ادراک‌سازی در خصوص تهدید سقوط دولت قانونی سوریه صورت پذیرفته است. در سال ۲۰۱۵ حدود ۶۳۰۰۰ نظامی روسی در جنگ داخلی سوریه حضور داشته‌اند و در حال حاضر تخمین زده می‌شود ۵۰۰۰ نظامی و پیمانکار امنیتی خصوصی روس در این کشور حاضر باشند (Peck, 2020: 2).

لازم به ذکر است، حضور روسیه در بحران سوریه با تمرکز بر ساختار ارتش رسمی این کشور انجام پذیرفته در حالی که نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران در قالب نیروهای کمکی وارد سوریه شده‌اند و به دلایل متعددی از جمله مخالفت روسیه و حزب بعث، تلاش‌ها برای قانونی کردن نیروهای متحد ایران در چارچوب نیروهای رسمی سوریه نظیر آنچه در خصوص حشدالشعبی در عراق انجام گرفت، به نتیجه نرسید. همین مسئله حاکی از راهبرد کلان روسیه جهت خروج نیروهای ایرانی و وابسته به ایران پس از پایان جنگ داخلی از سوریه داشته است که موضع‌گیری روسیه مبنی بر لزوم خروج نیروهای خارجی از خاک سوریه نیز در همین راستا بوده است.

اضمحلال داعش در سوریه و اعلام تشکیل گردان‌های آزادی جولان و تجمع نیروهای مقاومت وابسته به ایران در نزدیکی جولان در سال ۲۰۱۷ که با نگرانی رژیم صهیونیستی همراه بود، موجب شد نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی سفرهای مکرری به مسکو و واشنگتن داشته باشد و در نهایت با موافقت روسیه، طرح خروج نیروهای ایرانی به اجرا درآمد (Peck, 2020: 3). اولین گام اجرای این طرح، ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه به ویژه در جنوب این کشور در اطراف جولان بود که روسیه مجری اصلی آن بود.

در طرح مذکور سوریه رهبری مذاکرات با معارضان را برعهده گرفت و با خلع سلاح آن‌ها، از تنش‌های مسلحانه کاست. در نتیجه وضعیت اضطرار که حضور نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران را ضروری می‌ساخت بر طرف شده و به این ترتیب به ایران فشار وارد می‌شد که نیروها و پایگاه‌های خود را از این مناطق دور نماید. در این بین حملات گاه و بیگاه رژیم صهیونیستی علیه مواضع نیروهای ایرانی مانند سقوط پهپادهای شناسایی ایرانی و همچنین حمله به سایت پهپادی تی-۴ بر شدت فشارها جهت خروج ایران می‌افزود. در حال حاضر نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران در نوار شرقی سوریه در نزدیکی مرز این کشور با عراق مستقر هستند که البته این موضوع مورد اعتراض آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی است (Gross, 2019: 2).

۴-اهداف روسیه در پرونده سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی

اهداف روسیه در پرونده سوریه به شرح زیر است:

۴-۱_ سطح منطقه‌ای

اهداف سفر پوتین به سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی در سطح منطقه‌ای به شرح زیر است:

۴-۱-۱_ کاهش نقش ایران در آینده سوریه

بحران سوریه مراحل نهایی نظامی را طی می‌کند و پس از پایان عملیات آزادسازی ادلب، عملاً دولت سوریه موفق شده حاکمیت خود را بر بخش‌های وسیعی از مرزهای ۲۰۱۱ م. احیا کند. مذاکرات سیاسی بین طرفین آغاز شده که نمونه آن مذاکرات آستانه و همچنین مذاکرات تدوین قانون اساسی سوریه است. بنابراین طبیعی است که اتحاد ایران و روسیه در پرونده سوریه تضعیف شود و رقابت جهت کسب نفوذ بیشتر در آینده سوریه تشدید شود.

در چنین فضایی شهادت سردار سلیمانی، این امکان را برای روسیه فراهم کرده تا با استفاده از خلاء شخصیت راهبردی و استراتژیک ایران در پرونده‌های منطقه‌ای به دنبال محدود کردن حضور و نفوذ نیروهای ایرانی در سوریه باشد.

۴-۲_ معرفی روسیه به حافظ امنیت متحدان منطقه‌ای

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا مهمترین بازیگر ثبات ساز در منطقه غرب آسیا بوده است بنابراین ادراکی که از آمریکا به ویژه بعد از جنگ دوم خلیج فارس و اخراج عراق از کویت توسط نیروهای ائتلاف بین‌المللی با محوریت آمریکا در اذهان رهبران عربی منطقه ایجاد شده است، آمریکا قدرتی امنیت ساز بوده است.

اما هزینه‌های سنگین دو جنگ بزرگ این کشور در افغانستان و عراق و روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ با رویکردی تجاری که همه پدیده‌ها حتی امنیت را از دید تجاری می‌نگریست، سبب خدشه دار شدن تصویر آمریکا شد و تحولات منطقه در دوره ترامپ، خدشه جدی‌تری بر ادراک رهبران عربی از آمریکا وارد کرد.

خروج آمریکا از برجام، حمله به نیروهای رسمی حشدالشعبی، ترور یک مقام رسمی ایرانی که به دعوت نخست وزیر این کشور در عراق به سر می‌برد و تهییج ایران به موشک باران پایگاه‌های این کشور، غرب آسیا را به سوی بی‌ثباتی و هرج و مرج افسار گسیخته‌ای کشاند که در دید بسیاری از رهبران عربی متضمن تهدیدات جدی برای همه منطقه است. آمریکا در ماه‌های منتهی به شهادت سردار سلیمانی، متحدی قابل اعتماد و ثبات ساز نبود بلکه خود یک طرف تنش به شمار می‌آمد. در این شرایط حضور مقتدرانه رئیس جمهور روسیه در پایتخت یک کشور عربی در گیر بحران و حضور در کنار رئیس جمهور قانونی آن و تاکید بر نقش روسیه در بازگرداندن امنیت به خیابان‌های دمشق در واقع تلاش وی برای ایجاد ادراک قدرت ثبات ساز و فروشنده بدیل کالای امنیت در نبود ایالات متحده آمریکا است (Ritter, 2020: 1).

۴-۱-۳_ احیای جایگاه روسیه در غرب آسیا در تراز قدرتی جهانی

راهبرد روسیه در غرب آسیا مبتنی بر بازگرداندن جایگاه خود به عنوان یک کارگزار قدرت جهانی بوده است (Frolovskiy, 2019: 2). وقوع تحولات مهمی نظیر ظهور اسلام رادیکال و واکنش آمریکا به این رخداد که یادآور جنگ‌های صلیبی بوده، حمله آمریکا به عراق و تداوم جنگ و بحران در این کشور، تغییر موازنه قدرت در خلیج فارس و همچنین از بین رفتن نفوذ آمریکا و دشمنی فزاینده نسبت به واشنگتن، واقعیت‌های جدیدی است که منجر به ایجاد تمایل در محیط عربی مبنی بر احیای نظم جهانی دو قطبی شده است. نظامی که روسیه در آن نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند.

نمایش حضور روسیه در این مقطع در پرونده‌های منطقه‌ای از جمله پرونده سوریه، پاسخ مناسبی به خواست شکل گرفته در منطقه بوده که پوتین در پرتو سفر به دمشق به دنبال تحقق آن و ارتقا جایگاه روسیه به سطح قدرتی جهانی است (Svetlova, 2020: 4).

۴-۱-۴ ممانعت از تزلزل روحیه نیروهای نظامی سوری در جنگ ادلب

سردار سلیمانی نقش مهمی در هماهنگی میدانی نیروهای سوری، روس و خارجی در نبرد با تروریست‌های معارض دولت قانونی سوریه داشت. ایشان در نظر رهبران روسیه به عنوان استراتژیستی عملگرا شناخته می‌شد که در مناطق حساس جنگی حاضر می‌شد و رهبری عملیات را در دست می‌گرفت. به شهادت رسیدن ایشان در حمله پهپادی آمریکا، نشانه تضعیف متحدان دولت قانونی سوریه از جمله روسیه تلقی می‌شود و بخشی از سفر پوتین به سوریه با هدف پوشش این چالش و تقویت جبهه دولت سوریه در برابر معارضان صورت پذیرفته است (Opiyo, 2020: 2).

۴-۱-۵ مانور حمایت همه جانبه مسکو از دمشق

سوریه از دوران جنگ سرد به شکل مشخص از سال ۱۹۵۶ روابط راهبردی با روسیه برقرار کرده است. در این سال بر اثر بروز بحران کانال سوئز و نگرانی حافظ اسد نسبت به برهم خوردن موازنه در برابر رژیم صهیونیستی و ترکیه، از مسکو کمک خواست. همکاری‌های اولیه دمشق-مسکو به آموزش خلبانان و افسران نیروی هوایی سوریه محدود می‌شد اما به تدریج در سال ۱۹۷۱ با ارسال ناوها و زیردریایی‌های جنگی روسی به بنادر استراتژیک طرطوس، سطح همکاری‌ها ارتقاء یافت به گونه‌ای که در دوره جنگ سرد، شوروی مهمترین تامین کننده تسلیحات سوریه شد. این روابط با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ادامه داشته است، بنابراین طبیعی است که با آغاز بحران در یکی از متحدان سنتی به حمایت از آن اقدام نماید (Menon & Spitzer, 2019: 3).

۴-۲-۲ سطح بین‌المللی

اهداف پوتین از سفر به روسیه در سطح بین‌المللی به شرح زیر است:

۴-۲-۱-۲ نمایش قدرت روسیه در برابر آمریکا

سفر ولادیمیر پوتین نه تنها با شهادت سردار سلیمانی همزمان شده بلکه با تصویب قرار خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی و آمریکا در پارلمان عراق به عنوان کشوری که از سال ۲۰۰۳ بیشترین همکاری را با آمریکا داشته و میزبان

بیش از پنج هزار نیروی نظامی این کشور بوده، همزمان شده است. به شهادت رساندن نیروهای حشد، نقض حاکمیت عراق و به شهادت رساندن یکی از قهرمانان مبارزه با تروریسم و همچنین مهمان دولت این کشور، وقایعی بود که روحیه ضدآمریکایی را در منطقه تشدید و جایگاه آن را در منطقه متزلزل کرده است. در این شرایط حضور پوتین در دمشق، مانور قدرت روسیه در برابر ایالات متحده آمریکا به شمار می آید.

۴-۲-۲- چانه زنی با اروپا و آمریکا در ماجرای اوکراین و تحریم‌های بین‌المللی

خلاء وجود سردار سلیمانی به عنوان چهره کلیدی نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سوریه، فرصت مناسبی در اختیار روسیه قرار داده است تا ضمن نمایش قدرت خود در این کشور، نقش ایران را در فرآیند تثبیت قدرت سیاسی سوریه کم‌رنگ یا محروم نماید و در پی افزایش نفوذ خود، از نگرانی غرب نسبت به گسترش ناامنی به اروپا، وخیم‌تر شدن بحران مهاجران، دغدغه‌های آمریکا در خصوص امنیت رژیم صهیونیستی و نگرانی از حضور ایران در سوریه جهت امتیازگیری در پرونده‌هایی مانند تحریم‌های بین‌المللی، بحران شرق اوکراین و همچنین بحران کریمه استفاده نماید (Dougherty, 2013: 1).

۴-۲-۳- گسترش تجارت تسلیحات در منطقه

اهداف روسیه در قبال سوریه صرفاً ناظر به گذشته نیست. از سال ۲۰۱۵ به این سو که حضور ارتش روسیه در سوریه شکل رسمی‌تری به خود گرفت، روسیه امیدوار است بتواند بازار فروش تسلیحاتی‌اش را با نمایش کارآمدی آن‌ها در جنگ داخلی سوریه، رونق بخشد و بتواند درآمدهای بیشتری در این حوزه کسب نماید. شایان ذکر است حضور نیروی هوایی روسیه در جنگ سوریه تاثیر چشمگیری بر فروش تسلیحات روسی به ویژه جنگنده‌های سوخو ۳۰ و سوخو ۳۵، موشک‌ها و پدافند هوایی آن داشته است (Isachenkov, 2017: 1).

۵- پیامدهای سفر پوتین به دمشق پس از شهادت سردار سلیمانی بر جایگاه ایران در سوریه

پیامدهای سفر پوتین به سوریه برای جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

۵-۱- افزایش وزن روسیه در تحولات سوریه

سوریه از دوران حاکمیت حزب کمونیست شوروی حیطه نفوذ روسیه بوده است که در دوره پس از فروپاشی نیز وابستگی سوریه به روسیه برجای خود باقی مانده است. ساختار سیاسی حزب بعث و ساختار نظامی این کشور همچنان از مدل روسی تبعیت می‌کند. به همین دلیل گرچه در بحران سوریه، ایران و روسیه در کنار یکدیگر علیه مخالفین و تروریست‌ها جنگیده‌اند اما در بلندمدت، نفوذ ایران رقیبی برای روسیه به شمار می‌رود و سفر غیر منتظره پوتین پس از شهادت سردار سلیمانی به سوریه و تاکید بر نقش روسیه در بازگرداندن امنیت به این کشور می‌تواند تلاش این کشور برای مصادره پیروزی‌های مقاومت در دوران بحران جهت بهره‌برداری در دوران تثبیت باشد.

۵-۲- تضعیف جایگاه ایران در مذاکرات آستانه

با شهادت سردار سلیمانی و تضعیف نیروهای مقاومت در میدان نظامی سوریه، پشتوانه لازم جهت پیشبرد منافع ملی مقاومت در مذاکرات آستانه کاهش یافته و امکان کنشگری بیشتری به روسیه و ترکیه خواهد داد.

۵-۳. برهم خوردن موازنه بین ایران و رژیم صهیونیستی در سوریه

با اعمال فشارهای تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران و شهادت سردار سلیمانی، رژیم صهیونیستی حملات علیه نیروها و متحدان ایرانی در سوریه را شدت بخشیده است. در این شرایط با توجه به روابط نزدیکی که رژیم صهیونیستی با دولت روسیه دارد و همسویی که بین صهیونیست‌ها و دولت روسیه در ماجرای ایجاد مناطق کاهش تنش در اطراف جولان نشان دادند خطر تضعیف نیروهای ایرانی در مناطق شرقی سوریه در گذرگاه کلیدی بوکمال و تقویت موضع رژیم صهیونیستی وجود دارد. در این راستا می‌توان به افزایش حملات رژیم صهیونیستی علیه مواضع نیروهای متحد ایران در سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی اشاره کرد (Ahronheim & Joffre, 2020: 2).

۵-۴. استفاده از ابزار اقتصادی برای فشار به بشار اسد جهت همراهی با کاهش نفوذ ایران در سوریه

بشار اسد و حلقه نزدیکان وی روابط نسبتاً خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارند و به دلیل نیازی که برای بقا در دوران تثبیت به حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران دارد، نمی‌تواند با راهبردهای روسیه مبنی بر موازنه نفوذ ایران همراهی کامل داشته باشد. به همین علت، استفاده از ابزار اقتصادی و ایجاد بی‌ثباتی در زمینه بهای انرژی و ارز جهت گسترش نارضایتی در میان مردم به ویژه علویان که پایگاه سنتی قدرت دولت بشار اسد محسوب می‌شوند جهت همسو کردن بشار اسد با راهبرد موازنه سازی نفوذ ایران در دستور کار بازیگران درگیر در بحران سوریه قرار گرفته است.

۶- سناریوهای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در آینده سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی

در ادامه سه سناریو محتمل درخصوص آینده جایگاه ایران در سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی و در پرتو راهبردهای روسیه در قبال این بحران بررسی می‌شود.

۶-۱. سناریو اول: کاهش حضور ایران در سوریه

براساس سناریوی اول، با توجه به اینکه نفوذ ایران در منطقه از جمله در سوریه، مرهون توانایی‌های راهبردی سردار سلیمانی و ارتباطاتی بود که ایشان در ۲۲ سال در محیط عربی ایجاد نموده بود و بحران داخلی سوریه نیز مراحل پایانی فرآیندهای نظامی را سپری می‌کند و با آزادسازی ادلب از نقش نیروهای نظامی در این کشور کاسته خواهد شد، رقابت‌های بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به حوزه سیاسی تسری خواهد یافت.

این امر در حالی صورت می‌پذیرد که نقطه قوت جمهوری اسلامی ایران در سوریه، پیروزی‌های میدانی بوده و قبل از شهادت سردار سلیمانی آمریکا، رژیم صهیونیستی و جریان عربی با ابزارهایی نظیر تحریم‌های شدید اقتصادی تلاش داشتند نقش ایران در آینده سیاسی سوریه را محدود نمایند.

در این شرایط شهادت سردار سلیمانی تا زمان تثبیت فرماندهی جدید نیروی قدس، تزلزلی در نیروهای ایرانی و متحدین ایران در عرصه میدانی سوریه ایجاد خواهد نمود که ضعف سیاسی جایگاه ایران را در مذاکرات آتی تشدید

خواهد کرد. سفر غیرمنتظره ریاست جمهوری روسیه به سوریه نیز با هدف بهره‌برداری از شرایط حادث شده و تضعیف هرچه بیشتر ایران در دوران تثبیت قدرت در سوریه بوده است.

آنچه می‌تواند سناریوی فوق را تقویت نماید اول؛ وزنی است که اروپا و آمریکا در سیاست خارجی روسیه دارند و اولویتی است که این کشور برای این بازیگران در برابر ایران قائل است. دوم؛ روابط خوب روسیه با رژیم صهیونیستی و سفرهای مکرر سران این رژیم به مسکو است. در این خصوص باید به نگرانی‌های پوتین نسبت به خواست‌های اقلیت یهودی مستقر در روسیه و به ویژه سفر وی به اراضی اشغالی پس از شهادت سردار سلیمانی نیز اشاره نمود. سوم؛ رویکرد غالب در سیاست خارجی روسیه به عنوان یک ابرقدرت جهانی جهت حفظ روابط با همه بازیگران در منطقه است که آن را به تامین منافع سایر بازیگران منطقه سوق می‌دهد. چهارم؛ ممانعت روسیه از قانونی شدن حضور نیروهای متحد ایران در پارلمان سوریه است.

پیامدی که این سناریو برای جمهوری اسلامی ایران در بر خواهد داشت تقویت موضع روسیه در سوریه و تسریع روند خروج تدریجی نیروهای وابسته به ایران از خاک سوریه است. در این راستا شهادت سردار سلیمانی به عنوان یکی از ستون‌های قدرت منطقه‌ای ایران، به تسریع این روند خواهد انجامید.

تحقق این سناریو به روسیه کمک خواهد کرد در بحران تحریم‌های اتحادیه اروپا، موضوع کریمه و شرق اوکراین و همچنین بحران لیبی از کشورهای آمریکا، اتحادیه اروپا، کشورهای خلیج فارس و ترکیه امتیازگیری کند.

البته با توجه به حضور میدانی قدرتمند ایران در سوریه، تلاش هوشمندان ایران جهت تسری نفوذ از حوزه نظامی به حوزه‌های اقتصادی و سیاسی مانند انعقاد چندین قرارداد تجاری درخصوص بندر لاذقیه با دولت سوریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام سوریه بعد از پایان جنگ داخلی که شامل بحران‌های داخلی و همچنین نگرانی نسبت به راهبردهای خصمانه همسایگان می‌شود و همچنین نیاز روسیه به حفظ روابط با ایران به عنوان ابزاری جهت تسهیل نفوذ به دیگر پرونده‌های منطقه و همچنین ابزار چانه‌زنی در برابر غرب، هر دو کشور روسیه و سوریه به تداوم حمایت و همکاری ایران نیاز دارند و تحقق سناریو خروج کامل ایران از سوریه دور از انتظار است.

۶-۲. سناریو دوم: افزایش حضور ایران در سوریه

سناریوی دوم شامل پایبندی روسیه به همکاری راهبردی با ایران جهت حل پرونده سوریه می‌شود. این سناریو که خوشبینانه‌ترین و مطلوب‌ترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران است بر حفظ و گسترش همکاری ایران و روسیه در سوریه و پایبندی روسیه به سابقه نه سال همکاری راهبردی در بحران سوریه اشاره دارد. براین اساس توانمندی‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خلاء وجود سردار سلیمانی حفظ خواهد شد و روسیه و سوریه به دلیل نیازی که به جمهوری اسلامی ایران در حل بحران سوریه دارند، تلاشی جهت تضعیف ایران در این عرصه نخواهند نمود. در

این شرایط با توجه به پایان عملیات میدانی، حضور نظامی ایران به حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تسری یافته و افزایش می‌یابد.

تحقق این سناریو با توجه به فضای رقابتی در بحران سوریه، گذر بحران سوریه از مرحله نظامی به فرآیندهای سیاسی دوران تثبیت، الزامات روسیه در محیط غرب آسیا و همچنین بین‌الملل و عدم تمایل حزب بعث سوریه به از دست دادن حمایت ایران در شرایطی که بیشترین تنش را با همسایگانش همچون رژیم صهیونیستی و ترکیه تجربه کرده است، نیز دور از ذهن به نظر می‌رسد.

۶-۳. سناریو سوم: تثبیت حضور ایران در تحولات آتی سوریه

براساس این سناریو گرچه با شهادت سردار سلیمانی، موضع ایران در سوریه به شکل موقت تضعیف شده و روسیه نیز با توجه به رویکردی که به عنوان قدرتی جهانی در سیاست خارجی در پیش گرفته است و به تبع آن، به دنبال استفاده از فرصت خلاء شهادت سردار سلیمانی جهت تضعیف و کنترل جایگاه نظامی و به تبع آن سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سوریه است اما نیاز ساختاری دولت سوریه به ایران جهت حل بحران‌های دوران بازسازی همواره ادامه خواهد داشت. این نیاز در شرایط قبل از بحران داخلی سوریه وجود داشت و اکنون که هسته‌های شورش در داخل این کشور فعال هستند و روابط سوریه با همسایگان نیز دچار تنش شده تشدید خواهد شد.

روسیه نیز نه تنها در سوریه بلکه در دیگر پرونده‌های منطقه غرب آسیا، به همراهی ایران نیاز دارد بنابراین گرچه با توجه به نبود سردار سلیمانی و نگرانی روسیه از بابت خواست‌های رژیم صهیونیستی و همچنین دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، خواستار محدود کردن نفوذ ایران در سوریه خواهد بود و ممکن است برای وادار کردن بشار اسد به عنوان مهمترین بازیگر سیاسی روسیه که روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارد، به همراهی با مهار نیروهای نظامی ایران از خاک سوریه از ابزار اقتصادی استفاده می‌شود که شامل افزایش بهای حامل‌های انرژی و بی‌ثباتی بازار ارز می‌شود و می‌تواند دولت سوریه را با تهدید نارضایتی عمومی مواجه سازد، اما جایگاه ایران در تحولات کنونی سوریه مانع از موفقیت راهبرد حذف ایران از پرونده سوریه خواهد شد چرا که ایران باعث شده مهمترین هدف راهبردی روسیه در منطقه که ایجاد فاصله بین آمریکا و متحدانش در غرب آسیا است، متحقق شود. در واقع ایران نقش مهمی در تحقق راهبردهای روسیه در سطح منطقه بازی می‌کند (Talbot & Tennis, 2020: 1_3). بنابراین در چنین شرایطی، نفوذ کنونی ایران در سوریه تثبیت می‌شود.

براساس این سناریو، چه روسیه و چه سوریه برای حل بحران داخلی به حمایت‌های ایران نیاز دارند و قطع حمایت ایران خواست و مطلوب نظام سیاسی سوریه نیست اما موازنه نفوذ ایران با نیروهای روسی و دیگر بازیگران موثر منطقه‌ای و بین‌المللی و تثبیت نقش میدانی، سیاسی و اقتصادی کنونی ایران در سوریه (و ممانعت از افزایش حضور و

نفوذ ایران) متحقق می‌شود. باتوجه به شرایط موجود و عملکرد پوتین در سفر به سوریه و آمادگی برای سفر به اراضی اشغالی، این سناریو محتمل‌ترین سناریو است.

۷- نتیجه‌گیری

روابط بین واشنگتن و تهران از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه وخیم‌تر شده است که با خروج رئیس‌جمهور سابق آمریکا دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای، تنش‌ها بین دو کشور افزایش یافت. در مقابل روسیه و ایران از طریق همکاری-های نظامی در سوریه به یکدیگر نزدیک شدند. گسترش نفوذ مسکو در سوریه حاکی از آن است که درگیری بین ایالات متحده و ایران می‌تواند قدرت و اعتبار روسیه در منطقه را ارتقاء دهد.

مسئله‌ای که در پی به شهادت رساندن سردار سلیمانی توسط نیروهای آمریکایی در بغداد محقق شد و این فرصت را برای روسیه فراهم کرد که طی سفر به سوریه، ایالات متحده آمریکا را به عنوان قدرتی متجاوز، تنش‌آفرین و غیرقابل اعتماد در نزد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به تصویر بکشد و به این ترتیب، بستر را برای احیاء نفوذ خود در منطقه به ویژه سوریه فراهم نماید.

شایان ذکر است افزایش نفوذ روسیه در سوریه با محدود کردن نفوذ ایران در این کشور همراه خواهد بود چرا که راهبرد روسیه در غرب آسیا مبتنی بر رویکرد نواقع‌گرایی، جایگزینی ایالات متحده در منطقه است. به این ترتیب، ایجاد اتحادی مشابه اتحادهای سنتی کشورهای منطقه با آمریکا در دستور کار روسیه قرار دارد و نتیجه آن، تلاش جهت مرتفع کردن نگرانی‌های رژیم صهیونیستی، ترکیه، عربستان سعودی و همچنین قدرت‌های اروپایی از نفوذ ایران در سوریه است. استفاده از ابزار اقتصادی برای فشار به دولت سوریه و وادار کردن آن به همراهی با روسیه در تلاش برای کنترل حضور نظامی ایران در همین راستا صورت می‌پذیرد.

در این شرایط، روسیه ضمن حفظ همکاری با ایران به دنبال موازنه‌سازی نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دوران خلاء سردار سلیمانی خواهد رفت چرا که اقدامات ایالات متحده باعث تقویت رهبری روسیه در منطقه شده و مسکو احساس می‌کند در صورت همکاری با همه کشورهای منطقه و حفظ ثبات در خاک سوریه که نیروهای روسی در آن حضور دارند در پرتو کنترل نفوذ ایران می‌تواند جایگزین مناسبی برای آمریکا باشد. شایان ذکر است نقش مهم ایران در پیشبرد تحولات سوریه، متغیری است که نمی‌توان از آن غافل شد و روسیه نیز قادر به نادیده گرفتن همکاری استراتژیک دو کشور در طول بحران سوریه نیست و همانگونه که گفته شد محتمل‌ترین سناریو تثبیت حضور و نفوذ فعلی ایران در سوریه است. البته پیروزی جو بایدن دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا و تشدید محذوریت‌های بین‌المللی آمریکا می‌تواند به تقویت جایگاه ایران در منطقه و سوریه کمک نماید. در ادامه به راهکارهایی پیشنهادی پرداخته می‌شود.

- تثبیت فرماندهی جدید نیروی قدس در منطقه به ویژه در سوریه

- سفر مقامات سیاسی_دیپلماتیک ایران به سوریه و یادآوری دستاوردهای ایران در جنگ سوریه
- استفاده از همکاری ایران و روسیه در دیگر پرونده‌های منطقه‌ای جهت تثبیت نفوذ در سوریه
- تسری نفوذ ایران از حوزه نظامی به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی
- قانونی کردن حضور نیروهای وابسته به ایران در سوریه
- حمایت از دولت سوریه برای تثبیت بازار انرژی و ارز
- بهره‌برداری از شکاف روسیه_ترکیه

منابع فارسی

- ویلیامز، پل (۱۳۹۲)، **درآمدی بر بررسی های امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- حیدر پور، ماشالله، یاسینی، سید مهدی، کیانی، داود (۱۳۹۷)، **اهداف و راهبرد امنیتی روسیه در قبال بحران سوریه، فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۸۴
- حاجی یوسفی، امیر (۱۳۹۲)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- داودی، مهدی، (۱۳۹۶)، **سیاستگذاری خارجی در فدراسیون روسیه**، تهران: نشر مخاطب.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، **نواقع گرای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱.
- دهشیری، محمدرضا، گلستان، مسلم (۱۳۹۵)، **الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ در مدیریت بحران بین المللی سوریه در نظام تک_چندقطبی**، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دوره ۸، شماره ۲۸.
- شاد، محمد، (۱۳۹۶)، **ایران در هندسه سیاست خارجی روسیه**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- شهرکی، ماهرخ (۱۳۹۸)، **رویکرد روسیه در قبال نظم امنیتی غرب آسیا (۲۰۱۰-۲۰۱۸)**، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۸.
- عسگریان، حسین، (۱۳۹۴)، **چشم انداز روابط ایران و روسیه**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- کولایی، الهه و عابدی، عقیقه، (۱۳۹۷)، **جمهوری اسلامی ایران در ادراک رهبران روسیه**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کیانی، داوود، خان محمدی، زهره (۱۳۹۶)، **سیاست غرب آسیا ای روسیه از ۲۰۱۵-۲۰۱۱**، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۲.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، **تحول در نظریه‌های موازنه قوا**، ترجمه: غلامعلی چگنی زاده، تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر.

- هسن، برت، ویول، آندره، تافت، پتر (۱۳۹۰)، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی، ترجمه: سید امر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

منابع اینترنتی

- Debinski, Gabrielle(January 03, 2020), "Who was General Qassim Suleimani?", Available at: <https://www.gzeromedia.com/who-is-general-qassim-suleimani>.
- Bassam, Laila & Perry, Tom(OCTOBER 6, 2015), "How Iranian general plotted out Syrian assault in Moscow", Available at: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-soleimani-insigh/how-iranian-general-plotted-out-syrian-assault-in-moscow-idUSKCN0S02BV20151006>.
- Deutsche Welle,(January 3, 2020), "Qassem Soleimani: Timeline of events following Iranian general's assassination", Available at: <https://www.dw.com/en/qassem-soleimani-timeline-of-events-following-iranian-generals-assassination/a-51910195>.
- AHARONSON, MICKY & MANSOUR, AIMAN(JANUARY 15, 2020), "Vladimir Putin's surprise visit to Syria delivered an unequivocal message", Available at: <https://www.jpost.com/Opinion/Vladimir-Putins-surprise-visit-to-Syria-614181>.
- Aljazeera, (7 Jan 2020), "Putin meets Assad in rare Syria visit amid US-Iran tensions", Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/01/putin-meets-assad-rare-syria-visit-iran-tensions-200107150701410.html>.
- Menon, Rajan & Spitzer, Bernard, (NOVEMBER 18, 2019), "Russia Is Losing in the Middle East and Around the World", Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/11/18/vladimir-putin-russia-losing-power-middle-east-central-asia-africa-eastern-europe/>.
- Peck, Michael, (January 12, 2020), " Could Syria Cause Russia and Israel to Go to Nuclear War?", Available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/could-syria-cause-russia-and-israel-go-nuclear-war-112956>.
- GROSS, JUDAH ARI, (4 December 2019), "", Available at: <https://www.timesofisrael.com/airstrikes-target-iranian-weapons-stores-in-eastern-syria-report/>.
- Ritter, Scott, (January 14, 2020), "What Putin Really Wants in Syria", Available at: <https://www.globalresearch.ca/putin-christmas-visit-damascus/5700396>.

- SVETLOVA, KSENIA, (11 January 2020), "A turbulent decade sees Moscow's star shine brightly in the Middle East", Available at: <https://www.timesofisrael.com/a-turbulent-decade-sees-moscows-star-shine-brightly-in-the-middle-east/>.
- Opiyo, Levin, (11 JANUARY 2020), " The Agenda Behind Putin's Secret Visit to Syria", Available at: <https://www.insideover.com/politics/the-agenda-behind-putins-secret-visit-to-syria.html>.
- Dougherty, Jill, (September 12, 2013), " Analysis: Putin scores diplomatic win on Syria", Available at: <https://www.cnn.com/2013/09/12/politics/syria-putin-analysis/index.html>.
- Isachenkov, Vladimir, (August 30, 2017), " Russia hoping to boost arms sales after Syrian usage", Available at: <https://www.defensenews.com/global/asia-pacific/2017/08/30/russia-hoping-to-boost-arms-sales-after-syrian-usage/>.
- AHRONHEIM, ANNA & JOFFRE, TZVI, (JANUARY 15, 2020), " Three pro-Iranian militia fighters killed in strike on T4", Available at: <https://www.jpost.com/Breaking-News/Syrian-air-defenses-activated-after-airport-near-Homs-struck-614187>.
- Talbott, Strobe & Tennis, Maggie, (January 9, 2020), "", Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/01/09/the-only-winner-of-the-us-iran-showdown-is-russia/>.